

برنامه سازمان راه کارگر

برای چه مبارزه می‌کنیم؟

** سرمایه داری مسبب اصلی مصیبت‌های اجتماعی و بدبختی‌های مردم جهان و از جمله ایران است.

** اساسی‌ترین شرط موجودیت و حاکمیت طبقه سرمایه دار، انباشته شدن ثروت در تملک خصوصی، تشکیل سرمایه و افزایش آن است. شرط افزایش سرمایه، استثمار نیروی کار؛ و تنها هدف سرمایه دار، سود است. در جامعه سرمایه داری اکثریت جمعیت تا زمانی می‌توانند زندگی کنند که کاری پیدا کنند، و فقط زمانی کاری پیدا می‌کنند که کارشان بر سرمایه بیفزاید. بر این اساس، سرمایه داری انسان را به بردگی درمی‌آورد و بشریت را در مقابل سود به گروگان می‌گیرد.

** تنها راه رهایی انسان از بردگی سرمایه، سوسیالیسم است. سوسیالیسم عبارت است از حاکم شدن واقعی اکثریت جمعیت بر جامعه، بر زندگی و سرنوشت خود؛ انتقال مالکیت خصوصی و وسائل تولید و مبادله به مالکیت اجتماعی؛ برنامه‌ریزی عقلانی تولید و مصرف؛ و تبدیل جامعه سرمایه داری با طبقات و دشمنی‌های طبقاتی‌اش به جامعه‌ای که در آن، تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل آزادانه همگان باشد. دستیابی طبقه کارگر به حاکمیت سیاسی، نخستین شرط برقراری سوسیالیسم است.

** سازمان راه کارگر، سازمانی کمونیستی است که برای برانداختن سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم مبارزه می‌کند. سوسیالیسمی که ما برای آن مبارزه می‌کنیم تنها می‌تواند در چهارچوب جامعه‌ای مستقر شود که در آن اراده و کنترل مشترک، برابر و دموکراتیک زنان و مردان از همه ملیتهای ایران بر سیاست و اقتصاد کشور مسلط بوده و در عین تلاش برای شکوفایی اقتصاد، حفظ محیط زیست را مد نظر دارد.

ادعای ما علیه سرمایه داری

** سرمایه داری در طول قرن‌ها تغییرات زیادی کرده است، اما اساس آن که مالکیت خصوصی و تعقیب سود است، عوض نشده و تکامل آن بر همین اساس صورت گرفته است. سرمایه‌داری هرچه بیشتر دوام آورده، ثروت و امکانات بیشتری در دست اقلیت کوچکتری از سرمایه‌داران انباشته شده و زندگی و سرنوشت اکثریت هرچه عظیمتری از جمعیت به افزایش بازهم بیشتر سرمایه در دست اقلیتی وابسته شده است. سرمایه‌های بزرگ، سرمایه‌های کوچکتر را بلعیده‌اند و قوی‌ترین سرمایه‌داران، بزرگترین رشته‌های تولیدی، تجاری و مالی را به انحصار خود درآورده و امپریالیسم، یعنی امپراتوری سرمایه بر جهان را بوجود آورده‌اند. انحصارات امپریالیستی در رقابت بین خود بر سر تصاحب بیشترین بازارهای دنیا، جهان را با انسانها و ثروت‌هایش دوبار در کوره جنگی عالمگیر به خاکستر تبدیل کرده‌اند. از دل این خاکسترها غول‌های هزارپای بم‌راتب عظیمتری سر برآورده‌اند که هر یک به تنهایی انحصار مرکب چندین رشته تولیدی، تجاری و مالی را قبضه کرده‌اند. اما حرص سود و افزایش بازهم بیشتر سرمایه، با تبدیل شدن به قدرت انحصاری یک کشور سیراب نشده، و از بهم پیوستن انحصارات کشورهای مختلف، انحصارات فراملیتی بوجود آمده‌اند که رقابت و کشمکش در بین آنها برای بلعیدن یکدیگر هنوز ادامه دارد.

** سرمایه داری علیرغم آنکه مناسبات و قیدوبندهای اجتماعی وابسته به آنرا از هم گسست تا بتواند همه انسانها را صرفنظر از جنس و نژاد و ملیت آن بصورت کالا به بازار آورد. اما ولع سیری‌ناپذیر سرمایه برای کسب سود و افزایش خود، سرمایه‌داری را برآن داشته که تبعیض جنسی و کهنتری زن را بمثابه عوامل کاهش ارزش نیروی کار و افزایش سود بازسازی کند، مناسبات خانوادگی را براساس مناسبات پولی بنفع سرمایه سازماندهی نماید، جنسیت را در خدمت کسب سود قرار دهد و برای کاهش مخارج دولت سرمایه‌دار در مقابل برنامه‌های رفع تبعیض جنسی مقاومت کند. علاوه برآن سرمایه‌داری جهانی در جهت منافع خود با عقب‌مانده‌ترین حکومت‌های ماقبل سرمایه‌داری و قوانین ضد زن آن‌ها سازش کرده است. در مجموع با تغییرات ساختاری در ترکیب نیروی کار در دهه‌های اخیر و بهره‌برداری سرمایه‌داری از تداوم تبعیض جنسی در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، اکنون تبعیض جنسی و کهنتری

زن در ساختارهای درونی سرمایه‌داری تعبیه شده است، بطوریکه برای مبارزه همه‌جانبه و زود اثر با مردسالاری دیگر نمیتوان تنها بر برابری صوری در قانون اکتفا کرد، بلکه باید با سرمایه‌داری درگیر شد.

**** انحصارات فراملیتی، حوزه‌های اصلی علوم، تحقیقات، تکنولوژی جدید و بخش اعظم مالیه جهان را یعنی کلید اقتصاد جهان و شریان تمام بشریت را در دست گرفته‌اند. انحصارات فراملیتی که تعدادشان بسیار اندک است، سلاطین خودکامه و بلکه خدایاتی قادر مطلق هستند که مرگ و زندگی و مقدرات نوع بشر و حتی طبیعت را در دستان خود گرفته‌اند و دنیا را از نهانگاه خود به هر سونی که سودشان ایجاب می‌کند می‌رانند، بی‌آنکه به هیچ قدرتی حساب پس دهند، یا هیچ قانونی، هیچ ملتی و هیچ دولتی در جهان امکان کنترل آنها را داشته باشد.**

**** سرمایه داری جهانی با جوش دادن صنعت و تجارت و مالیه به یکدیگر و در دست گرفتن انحصار همه آنها در جهان، بازار بین‌المللی را بصورتی درآورده است که هر بازار ملی سرمایه‌داری بدون پیوند با آن محکوم به خفگی است و در پیوند با آن هم تابع منافع انحصارات و وابسته به نوسانات این بازار است. انحصارات بزرگ مالی با قبضه مالیه جهان در دست خود حرکت سرمایه را در دنیا اداره می‌کنند و بر حسب منافع انحصارات و شرکتهای چند ملیتی، تصمیم می‌گیرند کدام کشور در چه زمینه‌ای پیشرفت کند یا عقب بماند؛ چه میزان سرمایه و چه سهمی از دانش و تکنولوژی در اختیارش گذاشته شود یا نشود؛ و سیاست‌های مالی، صنعتی و عمرانی‌اش چگونه باشد یا نباشد.**

**** سرمایه‌داری نه بدنبال نیازهای انسان، بلکه همیشه بدنبال سود میدود و فقط وقتی به فکر نیازمندیهای انسان می‌افتد که رفع این نیازها به افزایش سرمایه خدمت کند. علیرغم برنامه‌ریزی، هرج و مرج و ناموزونی در کل اقتصاد جهانی در اشکال جدیدی بازتولید شده و گسترش یافته است. سرمایه انگلی از این شاخه تولید به آن شاخه تولید فرار نمی‌کند، بلکه اساساً از تولید فرار می‌کند و به نزول‌خوری، رباخوری، بورس‌بازی و دلالی روی می‌آورد و به سودهای افسانه‌ای دست می‌یابد بی‌آنکه ارزشی ایجاد کند. امروزه جهان به قمارخانه انحصارات مالی، و تمام بشریت به بدهکاران آنان تبدیل شده است.**

**** وامهای انحصارات مالی به کشورهای عقب مانده (که با ظاهر غلظانداز کمک به پیشرفت آنها صورت می‌گیرد) یکی از مهمترین وسائل غارت این کشورها هستند. این وامها که محل خرج آنها تابع سیاستهای خود انحصارات است، بیشتر صرف خرید تسلیحات از خود امپریالیستها، صرف نگهداری و تقویت دستگاههای نظامی، پلیسی، امنیتی و اداری رژیمهای سرکوبگر و مرتجع، و صرف ریخت و پاشها و پرور شدن سرمایه‌داران انگل همین کشورها می‌شوند. این کشورهای مقروض مجبور می‌شوند که سرمایه‌گذاری تولیدی و عمرانی و بودجه‌های آموزشی و بهداشت و تغذیه را پائین بیاورند و به معادن و جنگلها و ثروتهای طبیعی‌شان چوب حراج بزنند تا بلکه بتوانند فقط بخشی از بهره کمرشکن این وامهای خانه خرابکن را بپردازند بی‌آنکه هنوز از بازپرداخت ذره‌ای از قسط اصل وامها صحبتی درمیان باشد.**

**** گسترش سرمایه داری در کشورهای عقب مانده که به زور امپریالیسم و در زیر سرنیزه دولتهای این کشورها صورت گرفته است، هزاران میلیون تولیدکننده کوچک شهری و روستایی را از تولید سنتی کنده است، بی‌آنکه رشد انگلی سرمایه در این کشورها برای اکثریت عظیم آنان کاری ایجاد کند. سرمایه‌داری صدها میلیون دهقان را در جهان به امید یافتن کاری و لقمه نانی آواره ساخته و آنان را مثل زباله در گودهای بیرون شهرها تنبار کرده است. سرمایه‌داری نه فقط نیروی کار بسیار ارزان این کشورها را با شدت هرچه تمام استثمار می‌کند، بلکه اقیانوسی از جمعیت را هم که حتی استثمارشان را سودآور نمی‌بیند، به محرومیت دائمی از کار، از نان بخور و نمیر، از سرپناه، از حداقل آموزش و بهداشت و درمان، و به دست و پا زدن نومیدانه در جهنم هولناک فقر، بیماری، گرسنگی، فحشاء، اعتیاد، و سرانجام به مرگ زودرس محکوم می‌کند.**

**** سرمایه داری برای حفظ سلطه انحصارات بر جهان؛ برای از پا درآوردن کشورهای آزاد شده از حاکمیت سرمایه؛ و برای در زنجیر نگه‌داشتن کشورهای تحت سلطه، اقتصاد جهان را بکلی نظامی کرده است. تحمیل بیش از نیم قرن مسابقه تسلیحاتی به کشورهای سوسیالیستی برای شکستن کمر اقتصاد آنها؛ ایجاد پایگاهها و پیمانهای نظامی تجاوزگر؛ مداخلات مستقیم و غیرمستقیم نظامی؛ تحریکات و آتش‌بباری در جنگهای منطقه‌ای؛ مسلح کردن رژیمهای فاشیستی و نژادپرست و شورشیان ضدانقلابی به جدیدترین سلاح‌ها، و انتقال مسابقه تسلیحاتی به میان کشورهای درحال توسعه، همزادی سرمایه‌داری و نظامیگری را نشان می‌دهد. بهره‌برداری از ناسیونالیسم و نژادپرستی؛ جدائی انداختن بین ملتها و دامن‌زدن به تعصبات ملی، قومی و مذهبی هم وسائلی هستند که امپریالیسم بکمک آنها، هم تفرقه ایجاد می‌کند، و هم بازار اسلحه را (که از بزرگترین منابع سود انحصارات است) گرم نگه میدارد.**

**** سرمایه داران در ولع سود و افزایش سرمایه، نه فقط شرایط اجتماعی زندگی انسان، بلکه حتی محیط طبیعی زندگی او را به نابدی می‌کشند. زمین برای آنان خانه مشترک همه انسانها نیست بلکه وسیله‌ایست شخصی که خدا برای کسب سود به آنان بخشیده است. آنان زمین را مثل اناری می‌جویند و تفاله بی‌مصرف و بدمنظرش را جلوی نسلهای امروز و فردای بشر تُف می‌کنند. اگر بلایای طبیعی هر از چندگاه مصائب سرمایه‌داری را تکمیل می‌کنند، سرمایه‌داری خود به بلانی برای طبیعت تبدیل شده است.**

**** سرمایه‌داری نه تنها با تقسیم دنیا به دو قطب ثروت و پیشرفت، و فقر و عقب‌ماندگی و رویارویی این دو قطب، بشر را به آستانه بربریت کشانده است، بلکه اکنون در قطب پیشرفته نیز زندگی اکثریت مردم را دچار مشکلات روزافزونی کرده است. با بین‌المللی شدن هرچه بیشتر سرمایه و اوجگیری بحران مالیه بین‌المللی، نظارت دولت بر حرکات سرمایه عملاً ناممکن می‌گردد و دمکراسی و خدمات اجتماعی دولت که در دوره بعد از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری قوام یافته زیر تعرض سرمایه مالی قرار می‌گیرند. به این ترتیب رشد سرمایه‌داری به آنچه از جانب خود سرمایه‌داران "جامعه رفاه و دمکراسی" نامیده میشد، اعلان جنگ می‌دهد.**

**** سرمایه، آنجا که از تولید می‌گریزد، بیکاری تولید می‌کند، آنجا هم که سودی در تولید سراغ میکند، از تکامل تکنولوژی یعنی اتوماتیک شدن و پیچیده‌تر شدن ماشین‌ها بجای کاهش ساعات کار و بجای افزایش اشتغال و دستمزد و تولید و رفاه مردم، برای اخراج و بیکارسازی توده‌ای کارگران شاغل استفاده میکند. عوارض بیکاری چندین میلیونی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری هم‌اکنون بصورت بحران بی‌آیندگی جوانان، گسترش اعتیاد، الکلیسم، قاچاق، فحشاء، بیماریهای روانی و خودکشی و افزایش بزهداری از یکسو، و اوج‌گیری گرایش‌های فاشیستی، نژادپرستی، خصومت با کارگر مهاجر، افزایش دستجات و احزاب رسمی و غیررسمی نئونازی و نفوذ سیاسی و اجتماعی رشدیابنده آنان دیده می‌شود. زندگی کارگران خارجی و مهاجرین رنگین‌پوست (که اولین قربانیان بیکاری هستند) در مجتمع‌ها و شهرک‌های جداگانه مخصوص مهاجرین و رنگین‌پوستان، ترکیب شرم‌آوری است از زاغه‌نشینی جهان سومی و آپارتاید آفریقای جنوبی در پایتخت‌های "تمدن" سرمایه‌داری. همراه با افزایش بی‌وقفه قیمت‌ها و مالیات بردارندهای زحمتکش، تعرض به دستمزدها شدت می‌گیرد. گدائی در معابر عمومی گسترش می‌یابد؛ و در حالیکه هر روز بر تعداد ساقط‌شوندگان به زیر خط فقر و نیازمندان کمکه‌های اجتماعی دولت افزوده می‌شود، سیاست کاهش این کمکه‌ها با سرعت بیشتری به اجرا درمی‌آید. اتحادیه‌های کارگری زیر ضرب قرار می‌گیرند و سیاست‌زدائی می‌شوند؛ پارلمانها بیش از هر زمانی نقش دستگاه قانونگذاری انحصارات را بازی می‌کنند. با سلطه انحصارات بر مراکز خبری، اخبار و اطلاعات بطور روزافزونی از فیلتر منافع انحصارات می‌گذرند و آزادی اخبار و اطلاعات معنای خود را بکلی از دست می‌دهد. بموازات این تعرض همه جانبه به شرایط زیست مردم و به پایه‌های دمکراسی از جانب سرمایه، فضای پلیسی هرچه غلیظتر، و نیاز به خشونت، بیشتر می‌شود. الگوی سوسیال‌دمکراسی برای "رفاه و دمکراسی" بهمراه خود سوسیال‌دمکراتها، به آخر خط رسیده است. سایه ابرهای توفانی، جزایر "خوشبختی و آزادی" را در محاصره اقیانوسهای عاصی فلاکت، در تاریکی فرومی‌برد.**

**** امروز که جهان به عالیترین سطح علمی و فنی رسیده و بی‌سابقه‌ترین امکانات برای تأمین زندگی مرفه و سعادت‌مند تمام مردم روی زمین بوجود آمده است، مالکیت خصوصی بیش از هر وقت دیگری در تاریخ، تولیدکنندگان و مردم جهان را از تملک محصولات دسترنج خود و از دسترسی به امکاناتی که آفریده‌اند محروم کرده است. ثروت و امکاناتی به این بیکرانی در دست اقلیتی به این کوچکی هیچوقت جمع نبوده است. هرگز سلب مالکیتی اینچنین مطلق از اکثریتی به این بیشماری صورت نگرفته است. نجات جامعه انسانی از فلاکت، هرگز به اندازه امروز نیازمند سلب مالکیت از سلب مالکیت‌کنندگان از مردم، و برنامه‌ریزی عقلانی تولید و مصرف نبوده است.**

بعلت رانده شدن بخش عظیمی از زنان به صفوف محرومترین مزدگیران و محرومیت اکثریت عظیمی از زنان بویژه در کشورهای توسعه نیافته از کار، و تحمیل کار خانگی بدون مزد، حل مسائل زنان بیش از هر زمان دیگر مستلزم کوتاه کردن دست سودجویان سرمایه‌دار شده و جنبش آزادی و برابری زنان به نزدیکترین متحد طبیعی جنبش طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری تبدیل شده است. از اینرو سازماندهی توده زنان کارگر و زحمتکش برای کسب حقوق خود، ستون اصلی جنبش رهائی زن را تشکیل می‌دهد.

دوام و پیشرفت سرمایه‌داری زندگی تعداد هرچه بیشتری از جمعیت را وابسته به مرگ سرمایه‌داری می‌سازد. سرمایه‌داری در طول حیاتش هرگز خود را به محاصره جمعیتی به این عرض و طول از گورکنان خود نینداخته است. برآستی که ارتش گورکنان سرمایه‌داری دچار اضافه جمعیت است! سرمایه‌داری بیش از هر چیزی گورکنان خود را

تولید می‌کند. جهان هرگز به اندازه امروز نیازمند و تشنه سوسیالیسم نبوده است. ضرورت سوسیالیسم را سرمایه‌داری هر روز بازتولید می‌کند.

** سرمایه‌داری هر اندازه که جهانی شده، پرولتاریا را به طبقه ای جهانی تبدیل کرده است؛ استثمار و بحران سرمایه‌داری را جهانی کرده است. زمینه‌های انقلاب سوسیالیستی و وسائل بیداری و آگاهی کارگران را جهانی کرده است. البته که طبقه کارگر هر کشور اول باید کار طبقه سرمایه‌دار کشور خود را یکسره کند. اما مبارزه طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌دار، یک مبارزه بین‌المللی است. با پیدایش و سلطه امپریالیسم و انحصارات فراملیتی بر جهان، ضرورت مبارزه بین‌المللی طبقه کارگر علیه طبقه جهانی سرمایه‌دار، و اهمیت اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران، از هر زمان دیگری در تاریخ سرمایه‌داری برجسته‌تر و حیاتی‌تر شده است.

مبارزات طبقه کارگر از انقلاب کبیر اکتبر به اینسو، در کشورهای متعددی به سرنگونی طبقه سرمایه‌دار، لغو مالکیت خصوصی، و به تولید بر پایه برنامه‌ریزی دست یافت. این پیروزیهای عظیم تاریخی دستاوردهای بسیاری را بهمراه آوردند. اما اساساً در نتیجه لگدمال شدن دموکراسی سوسیالیستی، یعنی بخاطر مسلط نشدن اراده و کنترل توده مردم بر دولت و اقتصاد، نتوانستند به شکوفائی ظرفیتهای بیکران اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم منجر شوند و کشورهای رها شده از زنجیر سرمایه، بخاطر شکنندگی اوضاع اقتصادی و سیاسی داخلی، زیر فشار طولانی و نیرومند اقتصادی و نظامی سرمایه بین‌المللی از پا درآمدند. تجارب عظیم این پیروزی‌ها و ناکامی‌ها، سرمایه طبقه کارگر در پیکارهای ناگزیرش برای پیروزی حتمی سوسیالیسم بر سرمایه‌داری را غنی‌تر خواهد کرد. نبردهای بزرگتر در پیش روست و پیروزی نهانی با سوسیالیسم است.

سرمایه‌داری و استبداد در ایران

** طبقه کارگر ایران، گردانی از ارتش جهانی کارگران است که مبارزه علیه سرمایه‌داری جهانی را از طریق مبارزه برای برانداختن حاکمیت سرمایه در ایران به پیش می‌برد.

** سرمایه‌داری در ایران که در وابستگی به انحصارات بین‌المللی، به نظام تولیدی مسلط در ایران تبدیل شده است، هم مشخصات عمومی سرمایه‌داری، و هم ویژگیهای ناشی از جایگاه عقب مانده آن در بازار جهانی سرمایه را داراست. ثمره تسلط سرمایه‌داری، تسلط مشتی سرمایه‌دار بشدت انگل‌صفت؛ تسلط عقب‌ماندگی و ناپسامانی اقتصادی؛ تسلط خانه‌خرابی، بیکاری، بی‌سرنوشتی، بی‌سوادی؛ تسلط بی‌حقی همگانی؛ تسلط اختناق و استبداد و شکنجه و جوخه‌های اعدام بر ایران بوده است. انقلاب توده‌ای سال ۵۷ محصول سلطه سرمایه‌داری، و برضد آن بود. اما این انقلاب شکست خورد. زیرا استبداد رژیم سلطنتی و دیکتاتوری خشن سرمایه، به کارگران ایران امکان نداده بود تا بعنوان یک طبقه در برابر طبقه سرمایه‌دار متشکل شوند و تهیدستان شهر و روستا را که توسط سرمایه خانه‌خراب شده‌اند، بدور خود جمع کنند. از طرف دیگر، رهبری ارتجاعی روحانیت بر انقلاب و حاکم شدن رژیم جمهوری اسلامی هم میوه زهرآگین درخت سلطنت بود که بخاطر سرکوبگری و ارتجاعیت ذاتی‌اش جز مذهب و مسجد، هر فکر و هر سازمانی را که بکمک آنها بتوان مردم را جمع و رهبری کرد، کوبیده و به زنجیر کشیده بود. رژیم جمهوری اسلامی با قرار دادن مذهب در جایگاه حکومتی، سیاه‌ترین استبداد را بر مردم ایران حاکم ساخت؛ خود را رسماً و آشکارا دشمن هر نوع دموکراسی اعلام کرد؛ حقوق مدنی و آزادیهای فردی را حتی در چهاردیواری خانه‌ها از بین برد؛ آزادیهای سیاسی و حقوق بشر را بطور کامل زیر پا گذاشت؛ ضمن پاسداری خونین از سرمایه‌داری، ارتجاعی‌ترین اشکال مالکیت و قوانین شرعی را هم به خدمت آن درآورد و به این ترتیب، هم کشور را به پرتگاه ورشکستگی و نابودی کشانید، و هم بی‌حقوقی سیاسی و اجتماعی و فلاکت اقتصادی مردم را نسبت به قبل از انقلاب، بمراتب شدت داد. آپارتاید جنسی از بنیادهای نظری جمهوری اسلامی است که به کمک فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه سنتی ما به سرکوب زنان در ایران قانونیت بخشید.

** رژیم جمهوری اسلامی مقدمترین مانع در راه هرگونه تحول در ایران درجهت حقوق بشر، رفع ستم جنسی، آزادیهای سیاسی، دموکراسی، و رهائی مردم از چنگال طبقه سرمایه‌دار است. این مانع، فقط از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی توسط یک انقلاب توده‌ای میتواند از پیش پا برداشته شود.

برنامه ما برای آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم در ایران

****** مجلس مؤسسان متکی بر انقلاب که با رأی آزادانه تمام مردم دعوت شود و حکومت را به اکثریت جمعیت کشور منتقل کند، نخستین تجلی آرای عمومی و بهمین دلیل نخستین سنگبنای دموکراسی خواهد بود.

دموکراسی، یعنی حکومت اکثریت مردم، در صورتی می‌تواند برقرار شود که همه شهروندان کشور، به یکسان و بدون استثناء از آزادیهای سیاسی کامل برخوردار شوند. برای آنکه آزادیهای سیاسی کامل و حکومت اکثریت مردم معنای واقعی داشته باشند؛ برای آنکه هر نهاد و مقام و شخصیتی تابع قانون باشد و هر قانونی محصول رأی و اراده عمومی مردم باشد، باید کارگران یعنی تمام کسانی که فقط از طریق فروش نیروی کارشان زندگی می‌کنند، تهیدستان، خانه‌خوابان و اقشار کم‌بضاعت، که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بتوانند امتیازات رسمی و عملی سرمایه‌داران، ملاکان و بلندپایگان دولتی و غیردولتی را براندازند و اداره همه امور کشور را واقعاً بدست گیرند؛ و این جز با درهم‌شکستن ماشین دولتی سرمایه‌داری، یعنی همه دستگاههای نظامی و انتظامی و امنیتی که برای سرکوب اکثریت و مطیع نگه‌داشتن آن بوجود آمده‌اند و همه دستگاههای اداری که برای دور نگه‌داشتن اکثریت زحمتکش از قدرت سیاسی ایجاد شده‌اند، و ایجاد نهادهای دولتی متناسب با اصل حاکمیت اکثریت و خود حکومتی مردم بجای آنها، امکان‌پذیر نیست.

سوسیالیسم فقط برپایه همین دموکراسی واقعی، یعنی همین خودحکومتی مردم و فرمانروایی اکثریت استوار شده بر اقلیت بهره‌کش می‌تواند شکل بگیرد. این دموکراسی کامل، از تعریف سوسیالیسم و از هدفهای آن جدائی‌ناپذیر است و بدون آن، پیروزی هدفهای اجتماعی و اقتصادی سوسیالیسم ناممکن می‌شود.

****** مبارزه برای سوسیالیسم در ایران جدا از مبارزه برای رهایی زن نیست، چرا که انقلاب سوسیالیستی به خودی خود رهایی زن را تحقق نمی‌بخشد و دموکراسی سوسیالیستی هنگامی می‌تواند تحقق یابد که زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند نه تنها از حقوق برابر در قانون برخوردار باشند بلکه بطور مساوی با مردان در قدرت سیاسی شرکت داشته باشند.

****** برای علاج بیماری مزمن و آشفته‌گی بحرانی اقتصاد ایران، برای تحکیم پایه‌های دموکراسی و حاکمیت مردم، و برای نجات مردم از بی‌عدالتی و فلاکت اقتصادی، راهی جز انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم وجود ندارد. این انتقال باید با انعطافهای لازم برای افزایش باروری تولید، افزایش رفاه و بالارفتن قدرت اقتصادی کشور و امکان پایداری آن در مقابل خرابکاریهای بازار بین‌المللی سرمایه و فقط با تکیه بر اراده آزاد اکثریت مردم صورت بگیرد. در دوره انتقال فقط لازم است بخشهای بزرگ و حیاتی اقتصاد کشور به مالکیت اجتماعی منتقل شوند و مالکیت‌های کوچک تحت هیچ شرایطی نباید اجباراً ملغی گردند.

مالکیت اجتماعی باید اشکال متنوع دولتی، غیردولتی، تعاونی، کشوری و منطقه‌ای داشته باشد. انتقال به مالکیت اجتماعی و برنامه‌ریزی و هدایت تولید، بمعنی از بین رفتن بازار نیست.

****** سازمان راه کارگر معتقد است که برای تأسیس یک جمهوری واقعاً دموکراتیک و مردمی و برای پی ریزی یک اقتصاد سالم و در خدمت همه مردم، مجلس مؤسسان باید درخواستهای فوری زیر را پایه تدوین قانون اساسی نوین ایران قرار دهد.

سیاست

○ انتقال تمامی قدرت سیاسی به شورای عالی نمایندگان منتخب همه مردم.

○ خودحکومتی وسیع همه مردم از طریق نهادهای حاکمیت توده‌ای در تمام سطوح و حق نمایندگان آنها برای کنترل، تصویب و اجرای قوانین.

○ حق رأی همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای همه شهروندانی که به سن ۱۸ سالگی رسیده‌اند، در انتخابات همه ارگانهای دولتی و توده‌ای و محلی.

○ آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اخبار و اطلاعات، اجتماعات، اعتصابات... و تشکلهای سیاسی و صنفی. آزادی افراد در انتخاب پوشش، شغل، محل سکونت، و مسافرت در داخل یا به خارج از کشور.

○ برابری حقوق کلیه شهروندان در برابر قانون، صرفنظر از جنسیت، گرایش جنسی، ملیت، نژاد و اعتقادات سیاسی. مصونیت قانونی هر فرد در محل سکونت او. حق همه افراد برای تعقیب قانونی هر یک از مقامات از طریق مجاری عادی قضائی و در برابر هیئت منصفه.

○ انحلال کلیه دستگاههای سرکوب و سازمانهای اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی. ممنوعیت هر نوع شکنجه تحت هر عنوان. لغو مجازات اعدام.

○ ممنوعیت حکومت ایدئولوژیک. جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت. جدائی کامل دستگاههای مذهبی و مسلکی از نظام آموزشی کشور. الغاء مذهب رسمی. ممنوعیت هرگونه کمک دولتی به مؤسسات مذهبی و فعالیتهای آنها. آزادی همه افراد در داشتن یا نداشتن مذهب، و آزادی آنها در تبلیغات مذهبی یا ضدمذهبی.

○ حق همه ملت‌های ساکن ایران در تعیین سرنوشت خود، از جمله جدائی کامل و تشکیل دولت مستقل. خودمختاری هریک از ملت‌ها که با تمایل آزادانه خود در یک مجموعه جمهوری فدراتیو متحد میشوند.

○ آزادی کامل آموزش به زبان مادری در مدارس و دانشگاه‌ها و تکلم به زبان مادری در ادارات مناطق خودمختار محل آموزش زبان فارسی بعنوان زبان مشترک و وسیله ارتباطی کلیه ملل ساکن ایران.

○ تشکیل نیروهای مسلح مردمی تحت فرمان شورای عالی نمایندگان منتخب مردم، و ایجاد توانایی کافی در توده‌های مردم برای دفاع از حاکمیت خود. قرار گرفتن پلیس انتظامی در تحت فرمان عالیترین شورای نمایندگان منطقه‌ای یا محلی مردم.

○ الغاء هر نوع دیپلماسی سری.

○ برقراری مناسبات بین‌المللی برپایه برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خود؛ همزیستی مسالمت‌آمیز بین دولت‌ها؛ حمایت از جنبش‌های کارگری و دمکراتیک و رهائی‌بخش ملی جهان؛ و دفاع از دمکراسی، آزادیهای سیاسی و حقوق بشر.

○ حمایت از جنبشهای فمینیستی مترقی و حمایت از تشکل مستقل زنان جهت کسب آزادی و برابری و پیگیری مطالبات خود چه در جامعه سرمایه‌داری و چه در شرایط گذار به سوسیالیسم.

○ دفاع از خلع سلاح کامل هسته‌ای و شیمیایی و انحلال پیمان‌های تجاوزگر و پایگاه‌های نظامی. تلاش برای لغو امتیازات ویژه و اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ در سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی.

اقتصاد

○ برقراری مالکیت اجتماعی در کلیه مواضع کلیدی اقتصاد اعم از بانکها، مؤسسات بیمه و نهادهای مالی و اعتباری، تولیدی، بازرگانی و خدماتی. مصادره کلیه مؤسسات و منابع تولیدی و خدماتی متعلق به دولت جمهوری اسلامی یا سرمایه‌داران و ملاکان بزرگ، یا مؤسسات اسلامی. مصادره املاک، مستغلات، مجتمع‌های مسکونی و خانه‌های اضافی متعلق به سرمایه‌داران و مالکان بزرگ. ملی کردن زمین. این اقدام بمنظور جلوگیری از بورس‌بازی روی زمین و برای پائین آوردن قیمت ساختمان و اجاره‌بها صورت می‌گیرد و بهیچوجه حق بهره‌برداری تولیدی از زمین یا حق ساختمان کردن یا اجاره دادن ساختمان را از کسی سلب نمی‌کند.

○ برقراری نظارت دولتی بر تجارت خارجی.

○ برقراری مدیریت کارگری، یعنی شرکت همه کارکنان هر بنگاه اقتصادی در اداره آن، جز در بنگاههایی که بخاطر ویژگی یا موقعیت انحصاریشان مدیریت آنها باید از طرف نهادهای حکومتی سراسری یا منطقه‌ای تعیین گردد، و جز در بنگاههای اقتصادی کوچک.

○ تضمین حق تشکل‌های مستقل مردمی برای نظارت‌های لازم جهت دفاع از منافع مصرف‌کنندگان.

○ آزادی مالکیت خصوصی در مقیاس بنگاههای اقتصادی کوچک.

○ برقراری مالیات تصاعدی بر درآمد، ثروت و ارث.

رفاه عمومی

** حق هر خانواده برای داشتن یک مسکن مناسب و اقدامات زیر در جهت تأمین این حق:

○ واگذاری مسکن‌های مصادره شده از سرمایه‌داران و ملاکان بزرگ و ساختمانهای زائد دولتی به ارگانهای خودحکومتی مردم برای اسکان خانواده‌های بی‌سرپناه.

○ واگذاری زمین، وام و تسهیلات به کارگران، زحمتکشان و کارمندان کم‌درآمد برای تهیه مصالح ساختمانی و ساختن مسکن.

○ کنترل اجاره‌بهای مسکن توسط ارگانهای خودحکومتی مردم.

○ پرداخت کمک هزینه مسکن به افراد و خانواده‌های بی‌بضاعت.

○ لغو قوانین مربوط به تخریب زاغه‌ها و آلودگی‌ها تا هنگام تأمین مسکن مناسب برای ساکنان آنها.
** حق هر فرد برای آموزش و پرورش، و اقدامات زیر در جهت تأمین این حق:

○ اجباری بودن آموزش و پرورش تا پایان دوره ابتدایی، تحصیل رایگان حداقل تا پایان دوره متوسطه.

○ ریشه‌کن کردن بیسوادی بزرگسالان با ایجاد امکانات و تسهیلات تشویقی.

○ پرداخت وام برای ادامه تحصیلات به افراد کم‌درآمد.

** حق تندرستی همگان، و اقدامات زیر در جهت تأمین این حق:

○ بیمه بهداشتی و درمانی رایگان برای افراد و خانواده‌های کم‌درآمد، و برای دیگران در مقابل پرداخت حق بیمه متناسب با درآمد.

○ کنترل بهای دارو و خدمات بهداشتی و درمانی.

○ پیشگیری از بیماریهای مسری.

○ وضع مقررات بهداشتی برای کلیه مراکز عمومی از قبیل کارخانجات، مدارس، محلات و غیره.

○ وضع قوانین و استانداردها برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست.

○ کنترل اجرای کامل مقررات و استانداردهای فوق توسط سازمانهای توده‌ای.

○ تعمیم امکانات و تسهیلات و افزایش تأسیسات ورزشی برای عموم.

○ کنترل رشد بی‌رویه جمعیت، و برنامه‌ریزی مناسب برای مهار آن.

** حق کار برای نیروی کار کشور، و در این رابطه :

○ ایجاد اشتغال برای مردم.

○ رفع موانع تبعیضی برای اشتغال زنان.

○ ممنوعیت اشتغال برای افراد کمتر از ۱۶ سال.

○ پرداخت بیمه بیکاری به تمام اشکال کار مزدگیری.

کارگران

○ تصویب فوری قانون کاری که در آن دو اصل اساسی حق بی‌قید و شرط کارگران برای ایجاد تشکلهای مستقل از دولت، و حق اعتصاب صراحت داشته باشد. این قانون باید با مشارکت سازمانهای صنفی و سیاسی کارگری تهیه شود.

○ شمول قانون کار بر تمامی کارگران بخش خصوصی، بخش اجتماعی (اعم از دولتی و غیردولتی)، صنعتی، کشاورزی، خدماتی، دائمی، استخدام موقت، فصلی، چادرنشینی، سیار، کارگران منازل، مستخدمین ادارات، شاگردان مغازه‌ها و غیره.

○ تشکیل دادگاههای کار در تمام رشته‌های اقتصادی؛ و تعقیب قانونی کارفرمایانی که قانون کار را نقض کنند.

○ حداکثر کار روزانه ۸ ساعت. دو روز تعطیل پی‌درپی در هفته و سی روز مرخصی سالیانه با پرداخت حقوق.

○ رسمیت و قانونیت یافتن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) هر سال بعنوان روز همبستگی بین‌المللی کارگران و تعطیل رسمی با پرداخت حقوق؛ و نیز حق کامل کارگران برای برگزاری مستقل تظاهرات، تجمعات و سخنرانی‌ها به این مناسبت.

○ طبقه‌بندی مشاغل، و تعیین حداقل دستمزد براساس هزینه معیشت یک خانواده پنج نفره.

○ برابری دستمزد زنان و مردان برای کار مساوی.

○ بیمه‌های اجتماعی کلیه مشمولین قانون کار در مقابل بیکاری، بازنشستگی، از کارافتادگی، بیماری، سوانح کار. مستمری برای پیران و از کارافتادگانی که مشمول قانون کار نبوده‌اند.

○ حق کامل اتحادیه‌های کارگری برای عضویت در اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری و شرکت مستقل در مجامع بین‌المللی.

زنان

○ آزادی پوشش، و لغو فوری کلیه تبعیضات بر زنان در رابطه با اشتغال، دستمزد، تحصیل، ازدواج و طلاق، فرزند، خانواده، ارث، ورزش و غیره.

○ اختصاص امتیازات ویژه در سطوح مختلف آموزشی و شغلی بمنظور جبران فشارهای ناشی از موقعیت نابرابر
تحمیلی بر زنان در اجتماع.

○ حق نمایندگی نسبی در تمام ارگانهای انتخابی برای زنان؛ و در ارگانهای انتخابی مؤسسات، متناسب با میزان
اشتغال زنان در آن مؤسسات.

○ به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل زنان در سطوح صنفی، محلی، منطقه‌ای و کشوری و حق آنان در تدوین،
نظارت و اجرای قوانین.

○ تصویب قانون خانواده با مشارکت سازمانهای توده‌ای زنان.

○ ممنوعیت ازدواج افراد کمتر از ۱۸ سال. ممنوعیت تعدد زوجات.

○ ممنوعیت فحشاء.

○ تلاشهای فرهنگی و آموزشی در جهت مبارزه با فرهنگ مردسالاری در تمامی سطوح جامعه.

○ تعطیل عمومی روز جهانی زن (۸ مارس).

دهقانان و عشایر

○ انتقال حق بهره‌برداری از املاک و زمینهای مصادره شده ملاکین بزرگ در موارد مناسب به دهقانان و عشایر فقیر
و میانه‌حال یا تعاونی‌های آنان.

○ لغو بقایای نظام سهم‌بری و نصفه‌کاری؛ لغو بدهی‌های دهقانان و عشایر فقیر و میانه‌حال به ملاکین و رباخواران.

○ حمایت از دهقانان و عشایر فقیر و میانه‌حال و تشویق آنها به تشکیل تعاونیها و کشت و برداشت یا دامداری جمعی
از طریق ارائه ارزان ابزار، ماشین‌آلات، کود شیمیایی، دفع آفات، خدمات تخصصی و آموزشی و وامهای آسان به این
تعاونی‌ها و خرید با صرفه محصولات آنان و بیمه محصولات آنها درمقابل سوانح طبیعی.

○ کنترل تشکلهای دهقانان بر قوانین ارضی و نظارت بر اجرای کامل آنها.

** سازمان راه کارگر از هر مبارزه ای که در جهت دستیابی به چنین برنامه ای باشد، حمایت می‌کند.